



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 2

ויהי מקץ שנתים ימים ופרעה חלם והנה עומד על היאור

«و چون دو سال تمام گذشت»
(مقاله دوم؛ מאמר, maamar)



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/2

1 ויהי מקץ שנתים ימים ופרעה חלם והנה עומד על היאור. הנה כתיב (רות ד) וזאת לפנים בישראל ואין זאת אלא תורה כי הנה זאת התורה ישנה בבחי' פנימיות של כל נפש מישראל.

«و در پایان دو سال کامل، فرعون خواب دید و اینک کنار رودخانه ایستاده بود.» اکنون، در رות (۴) نوشته شده است: «و این در روزگاران پیشین [و نیز: در درون] در اسرائیل بود؛ و «این» چیزی جز تورات نیست، زیرا این تورات در بُعد درونی (پنیمיות، pnimiyus) هر نفیس یهودی وجود دارد.

כי יש לכל נפש בחי' פנימיות ובחי' חיצוניות דהיינו בחי' סתים וגליא. שכמו שקוב"ה [שקודשא בריך הוא] סתים וגליא. כך אורייתא וכך ישראל כו'.

زیرا هر نفس بُعد درونی (پنیمיות، pnimiyus) و بُعد بیرونی (חיצוניות، chitzoniys) دارد؛ یعنی جنبه پنهان و جنبه آشکار. همان گونه که ה' (קב"ה / קודשא בריך הוא، Kudsha Brich Hu) پنهان و آشکار است، تورات نیز چنین است و اسرائیل نیز چنین است، و الی آخر.

ובחי' סתים היינו בחי' פנימיות חב"ד [חכמה בינה ודעת] שבנפשו האלקית שאינו מושג ונראה לעין.

بُعد پنهان، بُعد درونی حکمت (حכמה، Chochmah)، فهم (בינה، Binah) و شناخت (דעת، Daas) در نفیس الهی انسان است؛ بُعدی که با چشم درک یا دیده نمی شود.

وبחי' גליא הוא בחי' חיצוניות שבו שהוא בחי' אהוי"ר [אהבה ויראה] כו' ולכן כמו שיש טנת"א [טעמים נקודות תגין אותיות] בתורה כך יש בחי' אלו بنפש האלקית כדלקמן.

و بُعد آشکار، بُعد بیرونی آن است؛ یعنی مرتبة عشق و هیبت (אהבה ویرאה، ahavah veyirah)، و الی آخر. بنابراین، همان گونه که تورات دارای טעמים (ta'amim)، נקודות (nekudos)، תגין (tagin) و אותיות (osiyos) [نغمه های تلاوت، حرکات، تاج ها و حروف] است، این مراتب نیز در نفیس الهی وجود دارند، چنان که در ادامه [شرح داده خواهد شد].

2 והנה כמו שיש פרעה בקליפה כך יש בקדושת נפש האלקית כמ"ש בזהר ויגש דאתפריעו ואתגלו נהורין כו'.

اکنون، همان گونه که در پوسته (کلیפה، kelipah) فرعونی هست، در قداسِ نفیس الهی (نפש האלקית، Nefesh Elohis) نیز [فرعونی] هست؛ چنان که در زهر (זהר) بر بخش و یگش (ویگش) آمده است: «[آن جا که] نورها آشکار و نمایان می شوند (داتافریعو، de'isparyu)»، و غیره.

כי זה לעומת זה כו' שבהשתלשלות מבחי' פרעה שבקדושה למטה מטה נמשך בחי' פרעה התחתון שאמר לא ידעתי את ה' שהוא בחי' השכחה המשתלשלת מבחי' עלמא דאתגלייא פרעה שבקדושה כמ"ש רגליה יורדות מות.

זیرא «این در برابر آن است»، و غیره: در زنجیرهٔ نزولِ عوالم، از مرتبهٔ فرعونِ قداست، هرچه پایین‌تر و پایین‌تر می‌آییم، مرتبهٔ فرعونِ فرودین نازل می‌شود؛ همان که گفت: «من ה' را نمی‌شناسم.» این مرتبهٔ فراموشی است که از مرتبهٔ جهانِ آشکار (עלמא דאתגלייא, alma de'isgalya)، یعنی فرعونِ قداست، به‌تدریج فرود می‌آید؛ چنان‌که نوشته شده است: «پاهایش به سوی مرگ فرود می‌آیند.»

אבל בסמוי מן העין עלמא דאתכסייא הברכה מצוייה ממקור הברכות. כמ"ש (משלי יא) ואת צנועים חכמה מקום הזכרון כמ"ש ולזכרון בין עיניך.

اما در آنچه «از چشم پنهان است»، یعنی جهانِ پنهان (עלמא דאתכסייא, alma de'iskasya)، «برکت یافت می‌شود»؛ برکتی که از سرچشمهٔ برکات می‌آید. چنان‌که نوشته شده است (امثال 11): «اما نزد فروتنان، حکمت است»؛ [این‌جا] جایگاهِ یادآوری است، چنان‌که نوشته شده است: «و برای یادآوری میانِ چشمانت.»

והנה לא שייך לומר דאתגלו כו' אלא מתוך מכסה שהיה עליהם בתחלה. דהנה כתיב מי יעלה לנו השמימה ר"ת [ראשי תיבות] מילה וס"ת [וסופי תיבות] הוי"ה

اکنون، سخن‌گفتن از «آشکارشدن» [نورها] تنها در صورتی معنا دارد که [از دل] پوششی پدید آیند که در آغاز بر آن‌ها بوده است. زیرا نوشته شده است: «چه کسی برای ما به آسمان بالا خواهد رفت؟»؛ حروفِ آغازینِ آن [واژه] ختنه (מילה, milah) را می‌سازند و حروفِ پایانی‌اش [نام] Havayah را.

שבכדי שיאיר עלינו אור ה' בהתגלות ולא בצیור אותיות לבד כ"א בעומק המחשבה בהתבוננות מהות ועצמות אני ה' לא שניתی שיקבע במוחו ולבו שהוא בחי' מי יעלה לנו השמימה שהוא בחי' השגת אלקות צריך מתחלה בחי' מילה

تا نورِ ה' بر ما آشکارا بتابد، نه فقط در قالبِ حروف، بلکه در ژرفای اندیشه، از راهِ تأمل دربارهٔ هستی و ذاتِ «من، ه'، تغییر نکرده‌ام»؛ تا این حقیقت در ذهن و دلِ انسان استوار شود – که این مرتبهٔ «چه کسی برای ما به آسمان بالا خواهد رفت؟»، یعنی مرتبهٔ درکِ الوهیت است – نخست باید مرتبهٔ ختنه باشد.

כי יש למעלה בחי' עונותיכם מבדילים וצריך להסיר המונעים וכן למטה בנפש האדם הנה כתיב ומלתם את ערלת לבבכם.

זیرא דר בלא מרתבה'י هست که در آن «گناهان شما جدایی می‌اندازند»، و موانع باید برداشته شوند؛ و در پایین نیز، در نفس انسان، نوشته شده است: «پوستِ ختنه‌گاهِ دل خود را ختنه کنید.»

אך אחרי כריתות הערלה יש עוד בחי' פריעה שהוא עור דק המכסה וחופף והוא בחי' תאוות גשמיים שמקליפת נוגה שהוא לדברים של היתר המכסים ומסתירים אור ה'.

اما پس از بریدنِ پوستِ ختنه‌گاه، هنوز مرتبهٔ گشودنِ پرده (פריעה, periah) باقی است؛ این پرده پوستی نازک است که می‌پوشاند و بر روی آن قرار می‌گیرد. این مرتبه، خواسته‌های جسمانی‌ای است که از پوستهٔ نوگا (קליפת נוגה, kelipas nogah) می‌آید؛ خواسته‌هایی مربوط به امورِ مجاز که نورِ ה' را می‌پوشانند و پنهان می‌کنند.

וכן אפי' [אפילו] בכדי שיתגלה עליו בחי' מרכבה פני אריה פני שור כו' שהוא בחי' אהוי"ר [אהבה ויראה] טבעיים הנה כתיב (יחזקאל א) וארא כו' ומתוכה כעין החשמל כו' חש מל ומתוכה דמות ד' חיות כו'.

همچنین، حتی برای آن‌که مرتبهٔ ارابه، یعنی «چهرهٔ شیر، چهرهٔ گاو»، و غیره، که مرتبهٔ عشق و هیبتِ طبیعی (אהבה وיראה, ahavah veyirah) است، بر او آشکار شود، نوشته شده است (حزقیال 1): «و دیدم»، و غیره، «و از میانِ آن چیزی مانندِ نمایی حشمل (חשמל, chashmal)»، و غیره، «و از میانِ آن، صورتی مانندِ چهار موجودِ زنده»، و غیره.

והעצה היעוצה לזה הוא מה שאומרים ונפשי כעפר לכל תהי' [תהיה] כי פרעה אותיות העפ"ר שעי"ז יוכל להיות בבחי' פרעה שיפרע ויגלה המכסה אשר עליו.

راهکاری که برای این کار داده شده، همان چیزی است که می‌گوییم: «و جانم برای همگان همچون خاک باشد»؛ زیرا فرعون (פרעה, Pharaoh) حروفِ خاک (העפר, ha'afar) را در خود دارد. از این راه، انسان می‌تواند در مرتبهٔ **פרעה** باشد؛ تا بگشاید (שיפרע, yifra) و پوششی را که بر اوست آشکار کند.

וכמ"ש (במדבר ה) ופרע את ראש האשה. דכנ"י [דכנסת ישראל] נק' אשה יראת ה' וצריך לגלות אוצר של יראת שמים ע"י שמשים נפשו כעפר לכל.

چنان‌که نوشته شده است (بמדבר 5): «و سرِ زن را آشکار خواهد کرد» (وפרע, u'fara). زیرا جماعت اسرائیل «زنی که از ه' می‌ترسد» خوانده می‌شود؛ و باید خزانهٔ ترس از آسمان را با خاک‌سار ساختنِ جان خویش برای همگان آشکار کرد.

ועי"ז יקרע המסך שעליו שהוא נמשך מבחי' גסות הרוח שמחמת גסות רוחו שמחשיב א"ע [את עצמו] ליש ודבר בפ"ע [בפני עצמו] הוא מתאוה תאוה וחפץ הוא שימלא רצונו דוקא.

از این راه، پرده‌ای که بر اوست دریده خواهد شد. [آن پرده] از مرتبة زمختی روح سرچشمه می‌گیرد: چون روحش زمخت است و خود را موجودی و چیزی مستقل می‌انگارد، خواسته‌ها را هوس می‌کند و اصرار دارد که خواست خودش حتماً برآورده شود.

וצריך הוא לבטש גסות רוחו ועד"ז הוא יסורי עוה"ז הבאים לאדם כי לא מחמת עונש אינו ראוי לישב בשלות עוה"ז

پس باید زمختی روح خود را درهم بشکند. رنج‌های این جهان که بر انسان فرود می‌آیند نیز از همین سنخ‌اند: نه از آن رو که به‌عنوان مجازات، شایسته سکونت در آسایش این جهان نیست؛

שהרי מצינו בנבוכדנצר (סנהדרין צו. ע"ש וע' ילקוט) בשביל שהלך ג' פסיעות לכבוד השי"ת [השם יתברך] פסקו לו מלוכה על כל העולם ולזרעו אחריו עד ג' דורות

زیرا دربارهٔ نبوکدنصر (نבוכدנצר) می‌یابیم (سנהדרין 96a؛ آنجا را ببینید، و نیز Yalkut را ببینید) که چون سه گام به افتخار ه'، که متبارک است، برداشت، فرمانروایی بر سراسر جهان را برای او مقرر کردند و آن را تا سه نسل پس از او برای فرزندانش نیز قرار دادند؛

ואין לך אדם מישראל שלא כיבד המקום בכך וכל טוב עוה"ז כדאי הוא לו

و هیچ یهودی‌ای نیست که ه' را به همان اندازه گرامی نداشته باشد؛ پس همه نیکی‌های این جهان برای او سزاوار است.

אלא היסורים באים לבטש את האדם להכניעו ולהשפיל גסות רוחו וכמשארז"ל [וכמו שאמר רבותינו זכרונם לברכה] (ברכות ז) טובה מרדות א' כו'

بلکه رنج‌ها می‌آیند تا انسان را درهم بشکنند، او را فروبشانند و زمختی روحش را خوار سازند؛ چنان‌که حکیمان ما، یادشان مبارک، گفتند (برכות 7): «یک توبیخ بهتر است...»

שכשעיניו רואות שיסורים באים עליו נשפל דעתו ונעשה נכנע והוא יקר בעיני ה' להיות עי"ז בחי' התגלות בחי' פרעה מן העפר.

زیرا هنگامی که با چشمانش می‌بیند رنج‌ها بر او فرود می‌آیند، اندیشه‌اش فروتن می‌شود و سر به فرمان می‌نهد؛ و این در نظر ه' گران‌بهاست، تا از این راه مرتبة **פרעה** از خاک آشکار شود.

והנה בתורה יש בחי' טנת"א [טעמים נקודות תגין אותיות] **ובחי' טעמים שבתורה שבע"פ** [שבעל פה] **הוא כמ"ש** (תהלים מב) **ובלילה שירה עמי שבחי' השירה והטעמים שהם בחי' הניגון הוא עמי.**

اکنون، توره دارای مراتبِ نشانه‌های نغمه‌خوانی (טעמים, ta'amim)، نقطه‌های آوایی (נקודות, nekudos)، تاج‌های حروف (תגין, tagin) و حروف (אותיות, osiyos) است؛ و مرتبۀ **טעמים** در توره شفاهی، همان‌گونه است که نوشته شده است (תהלים 42): «و در شب، سرود او با من است»؛ مرتبۀ سرود و **טעמים**، که مرتبۀ نغمه است، «با من» است.

וביאור הענין הוא כמ"ש (תהלים קיט) **זמירות היו לי חקיך בבית מגורי. ולהבין זה איך הם זמירות** توضیح مطلب چنین است که نوشته شده است (תהלים 119): «فرمان‌های تو در سرائی غربت من برایم سرودها بودند.» و برای فهمیدن این مطلب: چگونه آنها سرود هستند؟

וגם למה נענש דוד על שקרא לד"ת [لدברי תורה] **זמירות. הנה אמרו** (גטין ז) **השכם והערב עליהם** **לבהמ"ד** [לבית המדרש] **והם כלים מאליהן.**

و نیز، چرا داود به‌خاطر آنکه سخنانِ توره را «سرودها» خواند، مجازات شد؟ اکنون، [حکیمان ما] گفتند (7 Gittin): «بر فراز آنها (עליהם, aleihem) در خانه مطالعه بامدادان برخیز و تا شامگاه بمان، و آنها خودبه‌خود از میان می‌روند.»

והענין הוא דכתיב (תהלים מ) **רבות עשית אתה ה' אלהי נפלאותיך ומחשבותיך אלינו אין ערוך אליך** **אגידה ואדברה עצמו מספר:**

مطلب [چنین است]. نوشته شده است (تہלים 40): «کارهای بسیار کرده‌ای، تو، ه'، **الهی** من؛ شگفتی‌ها و اندیشه‌هایت متوجّه ماست؛ هیچ‌چیز با تو سنجیدنی نیست؛ اگر بخواهم از آنها بازگویم و سخن بگویم، شمارشان از شمار بیرون است.»

3 وביאור הכתוב רבות עשית. פי' רבות כל דבר שהוא רב ועצום דהיינו עולמות עליונים הגדולות ונוראות

توضیح آیه «کارهای بسیار کرده‌ای»: «بسیار» به هر چیزی گفته می‌شود که بزرگ و نیرومند باشد؛ یعنی عوالم برتر بزرگ و هیبت‌انگیز،

עשית בבחי' עשיה גשמית שנשתלשלו מעילה לעלול במדרגות רבות ושונות כמו שאמר בפסוק **אגידה** **ואדברה עצמו מספר עד שנתהוו בבחי' עשי' [עשיה] גשמית.**

«[آنها را]» به مرتبۀ عملِ جسمانی (עשיה, Asiyah) درآوردی، زیرا از علت به معلول، از میانِ مرتبه‌های بسیار و گوناگون، فرود آمدند؛ چنان‌که در آیه می‌گوید: «اگر بخواهم از آنها بگویم و سخن برانم، شمارشان از شمارش بیرون است»، تا آنکه در مرتبۀ عملِ جسمانی پدید آمدند.

וכמ"ש (שם קלה) למה יאמרו איה אלקיהם שהוא בבחי' אי"ה [אם ירצה השם]. שהוא מובדל ומכוסה ורחוק מהם כמ"ש רם על כו'.

و چنان‌که نوشته شده است (همان‌جا، ۱۳۵): «چرا باید بگویند: «**אלקיהם** کجاست (ایه، ayeh)؟»؛ [یعنی] او در حالت «کجا؟» است، از آنان جدا، پوشیده و دور؛ چنان‌که نوشته شده است: «بر فراز و برتر است»، و غیره.

ולא ידעו ולא יבינו כי כל אשר חפץ ה' עשה שנשתלשל חפץ ה' כ"כ [כל כך] עד שהוא בעשיה גשמית

اما نمی‌دانند و در نمی‌یابند که «هرچه **ه'** خواست، انجام داد»: اراده **ه'** چنان فرود آمد که به مرتبه عمل جسمانی رسید.

וכ"כ [וכן כתב] למה כדי שיהיה הוי"ה אלהי אלוה שלי ע"י כי נפלאותיך ומחשבותיך אלינו כי אורייתא מחכמה נפקת פי' עיקר התגלותה הוא מחכמה. אבל באמת הוא רצונו של מקום והוא ורצונו אחד.

و چرا تا این اندازه؟ تا **ه'**، **אלהי**، **אלوه שלי** باشد، از رهگذر [این] که «شگفتی‌های تو و اندیشه‌هایت به‌سوی ماست»؛ زیرا «توراه از حکمت (חכמה، Chochmah) سرچشمه می‌گیرد»، یعنی آشکارگی اصلی آن از حکمت است. اما در حقیقت، آن اراده **ه'** است و او و اراده‌اش یکی‌اند.

4 وזהו נפלאותיך מה שהוא מופלא ومובدل ומכוסה שאין בו השגה כלל פלא עליון. ומחשבותיך הוא בחי'

חכמה עילאה נמשך אלינו ע"י התורה. אין ערוך אליך ואדברה עצמו מספר.

و این است [معناي] «شگفتی‌های تو»: آنچه شگفت، جدا و پوشیده است و هیچ‌گونه ادراکی به آن راه ندارد؛ شگفتی برتر (پلا **علیون**، Pele Elyon). «و اندیشه‌های تو» مرتبه حکمت برین (חכמה، Chochmah) است که از طریق تورات به ما می‌رسد. «هیچ‌چیز با تو سنجیدنی نیست؛ اگر بخواهم از آن‌ها بگویم و سخن برانم، از شمار بیرون‌اند.»

כי להיות השתלשלות וירידה גדולה כ"כ [כל כך] מבחי' גבוה ונעלה מאד עד בחי' מטה מאד הוצרך

להיות כמה מיני עולמות אין מספר מינים ממינים שונים

زیرا برای آنکه زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) و فرودی چنین عظیم، از مرتبه‌ای بسیار بلند و رفیع تا مرتبه‌ای بسیار فرودین، پدید آید، انواع بی‌شماری از عوالم لازم بود؛ انواعی گوناگون، گونه‌گون،

וכמ"ש (ایوب ۲۵) היש מספר לגדודיו וכתیب (דניאל ۲) אלף אלפין ישמשונה ורבו רבבן כו' והוא מספר

גדוד והיכל אחד והיכלות אין מספר.

چنان‌که نوشته شده است (ایوب ۲۵): «آیا لشکریان او را شماری هست؟» و نیز نوشته شده است (دانیال ۷): «هزاران هزار او را خدمت می‌کنند و ده‌هزاران ده‌هزار» و غیره؛ و این شمار یک لشکر و یک تالار (היכל، heichal) است، درحالی‌که تالارها بی‌شمارند.

ואעפ"כ [ואף על פי כן] כולם אין ערוך אליך שאפי' [שאפילו] בחי' הגבוה מאד שהוא שרש התחלות התהוות

בاین‌همه، هیچ‌یک از آن‌ها «با تو سنجیدنی نیست»؛ حتی بلندترین مرتبه، که ریشهٔ آغازهای پدیدآمدن است،

می"م לגבי מהותו ועצמותו ית' אין לו ערך כלל שאינו מערכו ולא ממהותו כלל מאחר שהוא בבחי' נברא او נאצל ויש לו התחלת גבול.

باین‌حال، در نسبت با ذات و حقیقت او، که متبارک است، هیچ سنجشی ندارد؛ زیرا نه از سنخ اوست و نه از حقیقت او، چون در شمار آفریده یا صادرشده قرار می‌گیرد و آغاز و حدی دارد.

משא"כ בבורא ית' ذکולא קמיה כלל ממש חשיב ואצלו נחשב הכל כאין בחי' הראשונה ובחי' אחרונה שבمדרגה תחתונה הכל שוה אצלו

اما دربارهٔ آفریدگار، که متبارک است، چنین نیست؛ زیرا در پیشگاه او همه‌چیز به‌راستی هیچ به‌شمار می‌آید؛ همه‌چیز نزد او هیچ محسوب می‌شود، [به‌گونه‌ای که] مرتبهٔ نخست و مرتبهٔ واپسین در فروترین پله، همگی نزد او یکسان‌اند.

ואעפ"כ [ואף על פי כן] להיות השתלשלות העולמות וירידת המדרגות הוצרך להיות מדרגות עצמו מספר שלא יבטלו העולמות ממציאותן וכל זה הוא בשביל שיהיה הוי"ה אלקי ונפלאותיך ומחשבותיך אלינו כנ"ל:

باین‌همه، برای آنکه زنجیرهٔ نزولِ عوالم و فرودآمدنِ مراتب پدید آید، مراتب بی‌شماری لازم بود، تا عوالم از مرتبهٔ وجود ساقط نشوند. و همهٔ این‌ها برای آن است که نام چهارحرفی (ה', Havayah) برای من אלקים (אלקים, Elokim) باشد و «شگفتی‌ها و اندیشه‌های تو [به‌سوی] ما» باشند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

5 והנה קודם מ"ת [מתן תורה] היו עליונים ותחתונים ניזונים בחסדו של הקב"ה דהיינו שהיה מזון עולמות עליונים ותחתונים וחיותם נמשך ממקורם וראשיתם מלמעלה למטה בנדבה וחסד פשוט באתערותא דלעילא לבד.

اکنون، پیش از اعطای تورات، برتران و فروتران [موجودات] از مهرِ قدوسِ متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) برخوردار بودند؛ یعنی خوراک و نیروی حیات (חיوت, chayus) عوالم برتر و فروتر از سرچشمه و آغازگاهشان، از بالا به پایین، به‌صورت بخششی رایگان و مهری ناب، تنها از راه برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) جاری می‌شد.

אבל אחר מ"ת [מתן תורה] הנה קיום חיות העולמות הוא ע"י מעשה התחתונים בתורה ומצות ממטה למעלה

اما پس از اعطای تورات، بقای حיות عوالم از راه اعمال موجودات پایین در تورات (תורה, Torah) و فرمان‌های الهی (מצות, mitzvos)، از پایین به بالا، صورت می‌گیرد.

و כמו למשל ארץ הלזו הגשמית שמצמחת כל מיני תענוגים והם מזון האדם וקיום חיותו

این، به عنوان نمونه‌ای تشبیهی، مانند همین زمین مادی است که انواع لذتها را می‌رویاند؛ و آن‌ها خوراک انسان و مایه بقای حیات او هستند.

וגם כשאדם אוכל מבע"ח [מבעלי חיים] הנה עיקר גידולו וחיותו של הבע"ח [הבעלי חיים] ממה שאוכל מן הארץ נמצא שכל מזון וחיות האדם הוא ע"י בירור שנבחר הטוב הגנוז מן הארץ.

و حتی هنگامی که انسان از حیوانات می‌خورد، رشد اصلی و حיות حیوان از چیزی است که از زمین می‌خورد. پس همه خوراک و نیروی حیات انسان از راه پالایشی فراهم می‌شود که در آن، نیکی نهفته در زمین برگزیده می‌شود.

כך עד"מ הנה מזון עולמות עליונים הוא ממה שמקבלים חיותם מן התורה שבעוה"ז השפל.

به همین ترتیب، به عنوان نمونه‌ای تشبیهی، خوراک عوالم برتر از آن است که حیاتشان را از تورات موجود در این جهان فرودین دریافت می‌کنند.

והנה כתיב (משלי ד) סלסלה ותרוממך כאדם שמסלסל בשערו שיהיה כל נימא בפ"ע [בפני עצמו] כך הוא בכל פרטי הלכות אין מספר שיהיה בזה הענין הדין כך ובזה הענין יהיה הדין כך נמשך מחכמה עילאה מבחי' נפלאותיך ומחשבותיך הנ"ל.

اکنون نوشته شده است (امثال ۴): «او را ارج بنه (סלסלה, salseleha)، و او تو را بالا خواهد برد»؛ مانند کسی که موهایش را حلقه حلقه می‌پیچد (مسلسل, mesalsel)، تا هر تار جداگانه باشد. در شمار بی‌پایان جزئیات احکام نیز چنین است: در این مورد حکم چنین است و در آن مورد حکم چنان؛ این [امر] از حکمت برین (חכמה, Chochmah)، از مرتبه «شگفتی‌ها و اندیشه‌های» که پیش‌تر یاد شد، جاری می‌شود.

וז"ש [וזהו שכתוב] דוד המלך ע"ה [עליו השלום] (תהלים צב) מה גדלו מעשיך ה' מאד עמקו מחשבותיך

این همان است که داوود پادشاه (دود)، سلام بر او باد، گفت (مزامیر ۹۲): «چه عظیم‌اند کارهای تو، ای ه'؛ اندیشه‌های بسیار ژرف‌اند.»

פי' גדלו ע"ד שארז"ל [שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] **במקום שאתה מוצא גדולתו שם אתה מוצא ענותו כי לא שייך לפניו ית' בחי' גדולה**

معناي «عظيم» در اين جا مطابق با گفته حکيمان ما، يادشان گرامي، است: «هرجا بزرگي او را می يابی، فروتنی او را نیز همان جا می يابی.» زیرا مرتبة بزرگي اصلاً در پيشگاه او، متعال باد، راه ندارد،

مأخر כי גדול ה' ומהולל מאד ולגדולתו אין חקר ואינו בבחי' ערך ומדה ומקום כלל שיפול עליו לשון גדול'.

از آن رو که «ה' بزرگ و بسیار ستوده است و عظمتش را نمی توان به ژرفا سنجید»؛ و او اصلاً در مقوله قیاس، اندازه و مکان نمی گنجد تا واژه «بزرگی» درباره او به کار رود.

אלא לשון גדול' הוא ענותו שנתלבש בבחי' ומדת גדולה להתפשט ולהתלבש תוך עלמין להחיותם
بلکه واژه «بزرگی» [به] فروتنی او اشاره دارد؛ زیرا خود را در مرتبه و صفت بزرگی پوشاند تا در عوالم گسترش یابد و درون آن ها جای گیرد و به آن ها حیات بخشد.

וזהו מה גדלו מעשיך ה' כי מה שנמשך ונתפשט למטה דרך פרטי הלכה אחת הוא מזון וקיום חיות כל העולמות עליונים ותחתונים וכל העולמות עליונים הם כלא ממש נגד מה שנמשך מפרטי הלכה אחת שהיא מקור חיותם וקיומם

و این است [معناي] «چه بزرگ اند کارهایت، ه'»: زیرا آنچه از راه جزئیات یک حکم به پایین کشیده و گسترده می شود، خود خوراک و مایه بقای نیروی حیات (חיות, chayus) همه عوالم برتر و فروتر است؛ و همه عوالم برتر در برابر آنچه از جزئیات یک حکم کشیده می شود - حکمی که سرچشمه نیروی حیات و هستی آن هاست - واقعاً هیچ اند.

כי כל הלכה היא המשכת והתפשטות אור מרצון העליון ב"ה וחכמה עילאה שהן מקור החיות לכל העולמות

زیرا هر حکمی، فرود آمدن و گسترش یافتن نور از اراده برتر ب"ה (רצון, ratzon) و حکمت برتر (חכמה, Chochmah) است؛ و این دو سرچشمه نیروی حیات همه عوالم اند.

ואם כך הוא בענין גדולת מעשיו א"כ עאכ"כ [על אחת כמה וכמה] **מאד עמקו מחשבותיך שהיא בחינה למעלה מעלה מבחי' עלמין אלא מקיף וסובב עליהם ואינו מתלבש בתוכם.**

و اگر در باب عظمت کارهای او چنین باشد، پس به طریق اولی [چنین است که] «اندیشه های بسیار ژرف اند»؛ این مرتبه بسیار بسیار فراتر از مرتبه عوالم است، بلکه آن ها را فرا می گیرد و احاطه می کند و درونشان جای نمی گیرد.

ומזה יתבונן המשכיל להיות בתורת ה' חפצו להיות שש ועלו בה כמ"ש (משלי ה) וכל חפצים לא ישוו בה

از این مطلب، انسانِ اندیشمند تأمل می‌کند [و به این می‌رسد] که خواستش در توراتِ ه' باشد و در آن شاد و سرمست گردد؛ چنان‌که نوشته شده است (משלי 8): «و هیچ‌یک از چیزهای خواستنی با او برابری نمی‌کنند»:

שאפי' [שאפילן] חפצים העליונים שהוא כענין שכתוב כל אשר חפץ הוי"ה עשה בשמים ובארץ ושמים הם העולמות העליונים ולא ישוו בה שכולם הם כלא ממש בערך הלכה אחת שהיא מבחי' נפלאותיך ומחשבותיך הנ"ל.

حتی خواسته‌های برتر، چنان‌که نوشته شده است: «هرچه ه' خواست، در آسمان و زمین انجام داد»؛ و «آسمان‌ها» همان عوالم برترند؛ «با او برابری نمی‌کنند»، زیرا همهٔ آن‌ها در برابر یک حکم – که از مرتبهٔ «شگفتی‌ها و اندیشه‌های» که پیش‌تر یاد شد است – واقعاً هیچ‌اند.

6 וכמ"ש באדרא שההלכות הן בחי' הנימין ושערות של מעלה וכל נימא להיט לעלמין סתימין כו'.

چنان‌که در ایدرا (آدرا) آمده است، قوانینِ تورات مرتبه (בחינה, bechinah) رشته‌ها و موهای بالاست، و «هر رشته به عوالم پنهان می‌رسد»، و غیره.

וכמ"ש בע"ח [בעץ חיים] שכל הנימין ושערות הם מבירור רפ"ח ניצוצים כו' ותכלית הבירור הוא בעוה"ז כו'.

و چنان‌که در ایتس حاییم (עץ חיים) آمده است، همهٔ رشته‌ها و موها از پالایش ۲۸۸ جرقه پدید می‌آیند، و غیره؛ و غایتِ این پالایش در این جهان است، و غیره.

וזהו זמירות היו לי חוקיך בבית מגורי שהיה שש ושמח בהם עד שהיו לו כמו זמירות ותענוגים אלא שנענש על שקראם זמירות.

و این است [معنای] «فرايض تو برای من در خانهٔ اقامتگاهم ترانه‌هایی بود»: او از آن‌ها چنان شاد و خرسند بود که برایش همچون ترانه‌ها و لذت‌ها بودند؛ بااین‌حال، به سبب آن‌که آن‌ها را ترانه نامید، مجازات شد.

ולא על שלמד בענין זה אלא על ששיבחם בזו המעלה לחוד שהוא מקור וחיות כל העולמות.

[او مجازات شد] نه به سبب آن‌که به این شیوه آموخت، بلکه به سبب آن‌که تورات را تنها با همین فضیلت ستود: این‌که سرچشمه و نیروی حیاتِ همهٔ عوالم است.

שבאמת הוא גבוה למעלה מעלה מבחי' קיום וחיות כל העולמות וכמ"ש (שם) ואהיה אצלו אמון ואהיה שעשועים יום ופי' במדרש (ב"ר [בראשית רבה] פ"א) אמון מופלא שהוא מבחי' פלא העליון בחינת נפלאותיך ומחשבותיך.

זיכרון זה, אין בסיס ברור יותר מזה, מלבד נקודה נוספת, וזו: «וּמִן נֶזֶד אוֹ אֲמוֹן בּוֹדֵם וְרוֹז, רוֹז, מַיִה לִדֹת בּוֹדֵם»; וּבְמִדְרַשׁ (בְּרַאשִׁית רַבָּה, פֶּסֶק 1) תּוֹשִׁיב דָּאֵד שֶׁדֵּה אִסְת: אֲמוֹן [בְּמַעֲנַי] «שִׁגְרִף» (mufla) אִסְת, כִּי אֶז מִרְתֵּבֶה שִׁגְרִפִּי בְרִין, יִעֲנִי מִרְתֵּבֶה «שִׁגְרִפִּי הַיּוֹ אוֹ וְאִנְדִּישֶׁה הַיּוֹ תוֹ», סִרְכֶּשֶׁמֶה מִי־קִירָד.

וזוהו יום יום נגד ב' בחינות שהם נפלאותיך ומחשבותיך וזהו ואהיה שעשועים שהיא שעשועים של הקב"ה כביכול בכבודו ובעצמו

וּבִין אִסְת [מַעֲנַי] «רוֹז, רוֹז»: מִתְנַאֲזֵר בִּי דוֹ מִרְתֵּבֶה «שִׁגְרִפִּי הַיּוֹ תוֹ» וְ «אִנְדִּישֶׁה הַיּוֹ תוֹ»; וּבִין אִסְת [מַעֲנַי] «וּמִן מַיִה לִדֹת בּוֹדֵם»: אִין לִדֹת קְדוּסִי מִתְבָּרַק (קַב"ה / קוֹדֶשׁא בְרִיךְ הוּא, Kudsha Brich Hu) אִסְת, כְּבִיכּוֹל, דִּר גְּלָל וְ דָּאֵת חוּשִׁשׁ.

ולמשל כמו שאדם משתעשע בחכמתו כשאומר דבר חכמה כן ויותר מכן לאין קץ ותכלית באלף אלפים הבדלות הקב"ה משתעשע בחכמתו העליונה שאינה יכולה להתלבש תוך עלמין כלל

בְּרַאשִׁית בֶּה זִהֵן, הֵמָּן קוֹנֶה כִּי אִנְשָׁן הִנְגָּמִי כִּי סִחְנִי חִקִּימָנֶה מִי־קוֹיִד אֶז חִכְמַתִּי חוּשִׁשׁ לִדֹת מִי־בִרְד, כִּנִּין – וּבִי־נִהַיִת בִּישׁ אֶז אֵן, בִּי־פִאֲסֶלֶה־אֵי בֶּה הֶזָּרָאֵן הֶזָּר מִרְתֵּב – קְדוּסִי מִתְבָּרַק דִּר חִכְמַתִּי אֲעִלִי חוּשִׁשׁ לִדֹת מִי־בִרְד; חִכְמַתִּי כִּי בֶּה־הִיֶּךְ וַחֶה נִמִּי־תוֹאֵד דִּר עוֹאֵל מִלְּבָס שׁוֹד.

אלא שדוד המלך ע"ה [עליו השלום] היה צריך לפי שעה. בבית מגורי שהיו שונאין לו ואין דינים נמתקין אלא בשרשן דהיינו בשרש התהוות העולמות כשנתהווה ונמשך מאין המוחלט להתענג ולשמוח בחלקו אשר הוא ממשיך בתורתו לקיום וחיות העולמות

אִמָּא דַּאֲוֹדִי פַּדִּישָׁה, אֲעִלִי הַשְּׁלוֹם, דִּר אֵן הִנְגָּמִי בֶּה [אִין] נִיָּז דָּאֵת: «דִּר חָאֵה אִקָּאֲמִתְגָּהֵם»; זִכִּירָא אוֹ רַא דִּשְׁמֵן מִי־דָּאֵתֵנְד, וְ סִחְתִּי־הָא תִּנְהָא דִּר רִישֶׁה חוֹד תִּלְפִּיף מִי־שׁוֹנֵד; יִעֲנִי דִּר רִישֶׁה פִּדִיד־אֲמִדִּן עוֹאֵל, הִנְגָּמִי כִּי פִּדִיד־אֲמִדִּן וְ אֶז נִישְׁתִּי מִלְּקֵא יִאֲפִתֵנְד; [פִּס אוֹ נִיָּז דָּאֵת] כִּי אֶז שֶׁהֵם חוּשִׁשׁ לִדֹת בִּבְרִד וְ שָׁדָמָן בָּאֵשׁ; שֶׁהֵם כִּי אֶז רַאֵה תוֹרָאֵת חוֹד בְּרַאֵי פִּאִידָר־סָאֲחֵת וְ חִיָּאֵת־בִּחְשִׁידִן בֶּה עוֹאֵל, בֶּה אֵן־הָא מִי־רִסָּאֵד,

שעי"ז ממילא יתבטלו כל המונעים מאחר שמקבלים חיותם ממנה והם בטלים לגבה וכשממשיך אורה למטה תפול עליהם אימתה ופחד והיו כלא היו.

تا بدین وسیله همه موانع خودبه خود به خودنفی گری (بیטول, bittul) درآیند، زیرا نیروی حیات (حיות, chayus) خود را از آن می گیرند و در برابر آن در حالت بیטول هستند؛ و هنگامی که او نورش را به پایین می کشد، «ترس و هراس بر آنان خواهد افتاد» و چنان خواهند شد که گویی هرگز نبوده اند.

7 וזו היא העצה שיעצו חז"ל [חכמינו זכרונם לברכה] השכם והערב עליהם דהיינו שיהא בבחי' עליהם מעלה

מעלה וגבוה מהם

و این است پندی که حکیمان ما، یادشان مبارک، دادند: «بامدادان برخیز و شامگاهان بر آنان (عליهم, aleihem) بمان»، یعنی شخص در مرتبه «فراز آنان» باشد، بسیار بالاتر و برتر از آنان،

דהיינו בבחי' עסק התורה שהיא גבוה ונעלה מאד שהיא מקור חיותם. ולכן הם כלים ומתבטלין מאליהן וממילא נדחי'.

یعنی در مرتبه اشتغال به تورات، که بسیار بلند و والا است، زیرا سرچشمه نیروی حیات (حיות, chayus) آنان است. ازاین رو، آنان «خودبه خود نابود می شوند» و خودبه خود در حالت خودنفی گری (بیטول, bittul) قرار می گیرند، و خودبه خود رانده می شوند.

והערב עליהם היינו בבחי' נפשי כעפר לכל תהי' [תהיה] לידום ولیסבול כנ"ל שיהיה כעפר וארץ שממנה

יצא לחם וכל ההשפעות ממטה למעלה אחר מ"ת [מתן תורה] כנ"ל

و «شامگاهان بر آنان بمان» یعنی مرتبه «جانم برای همگان همچون خاک باشد»، خاموش ماندن و تحمل کردن [آن را]، چنان که پیش تر گفته شد؛ تا شخص همچون خاک و زمین باشد که نان از آن بیرون می آید، و همه فیض ها پس از اعطای تورات، چنان که پیش تر گفته شد، از پایین به بالا،

דהיינו כשנברר הטוב מן הרע וכו' ואזי ממילא יפול הרע ویבוטל כמ"ש (ישעיה מא) יהיו כאין ויאבדו

אנשי ריבך כי אין להם חיות עוד.

یعنی هنگامی که نیکی از بدی پالوده شود و غیره، آن گاه بدی خودبه خود فرو می افتد و به مرتبه بیטول می رسد، چنان که نوشته شده است (اشعیا ۴۱): «آنان همچون هیچ خواهند شد و مردانی که با تو ستیزه می کنند نابود خواهند گشت»، زیرا دیگر نیروی حیات ندارند.

אבל באמת אין זו לבדה מעלת ושבח התורה כ"א כמ"ש ובלילה שירה עמי שירו קרי דהיינו שעשועים של הקב"ה כמ"ש ואהיה אצלו כו' שעשועים זה יהיה עמי וכמ"ש (תהלים קמט) ישמח ישראל בעושיו.

اما در حقیقت، این به‌تنهایی فضیلت و ستایش تورات نیست؛ بلکه چنان‌که نوشته شده است: «و شبانگاه سرود او (سירה، shiroh) با من است»؛ این واژه به صورت shiro، «سرود او» (سירו، shiro) خوانده می‌شود؛ یعنی لذتِ הקב"ה، چنان‌که نوشته شده است: «و من نزد او بودم» و غیره؛ «مایهٔ لذت‌های او»؛ این لذت «با من» خواهد بود. و چنان‌که نوشته شده است (مزامیر ۱۴۹): «اسرائیل در آفرینندهٔ خویش شادمان شود.»

وهנה ע"י בחי' שמחה ותענוג הזה בתורת ה' יסיר כל מונע מבית ומבחוץ ואין רע יורד מלמעלה כלל
 اکنون، با این مرتبهٔ شادی و لذت (تענוג، taanug) در توراتِ ה'، هر مانعی از درون و بیرون برطرف می‌شود، و هیچ بدی‌ای اصلاً از بالا فرود نمی‌آید.

משא"כ כשאין לו בחי' השעשועים הנ"ל עליו נאמר ויהי מקץ שנתים ימים
 اما دربارهٔ کسی که این مرتبهٔ لذتِ یادشده در بالا را ندارد، گفته شده است: «و چنین شد که در پایانِ دو سالِ کامل (سנתים ימים، shenasayim yamim) ...»

פי' שבחי' שנתים ימים שהם בחי' יום و בחי' השעשועים הנ"ל הם אצלו בקץ ותכלית כלומר שאין לו בחי' הנ"ל בעסק התורה ואז ופרעה חולם.

مقصود این است که مرتبهٔ «دو سالِ روزها» که همان مرتبهٔ «روز، روز» و همان لذتِ یادشده در بالا است، برای او به پایان و حدِّ خود رسیده است؛ یعنی او در اشتغال به تورات، آن مرتبهٔ یادشده در بالا را ندارد. آن‌گاه «فرعون خواب می‌بیند» (حולם، cholem) [cholem] همچنین نام حرکتِ مصوّتی است که به صورتِ نقطه‌ای بالای حرف نوشته می‌شود.

פי' אע"פ [אף על פי] שיש לו בחי' פרעה שהוא בחי' התגלות אלקות ע"י התפלה אעפ"כ [אף על פי כן] אינו בבחי' טעמים שהם בחי' הנגון ושעשועים הנ"ל כ"א בבחי' נקודה ברישי אתוון

یعنی، با آنکه مرتبهٔ فرعون (פרעה) را دارد، که مرتبهٔ تجلی الوهیت از طریق دعاست، با این‌همه در مرتبهٔ نغمه‌های تلاوت (טעמים، ta'amim) نیست؛ این نغمه‌ها همان مرتبهٔ آهنگ و لذتِ یادشده در بالا هستند، بلکه فقط در مرتبهٔ «نقطه‌ای بر فراز سرِ حروف» است،

כי הנפש מלאה אותיות ואור ה' שמאיר בה הוא בחי' נקודה קטנה בראשו לבד שמתנוצץ בשכלו הארת והמשכת אלקות אבל אינה מלובשת בתוכו כ"א בבחי' מקיף עליו:

זیرا نفس سرشار از حروف است، و نوری که از ه' در آن می‌تابد، تنها در مرتبه نقطه‌ای کوچک در بالای آن است؛ به این معنا که پرتوی از الوهیت و نزول آن در عقلش می‌درخشد، اما در درون او ملبس نمی‌شود، بلکه فقط به صورت چیزی است که او را احاطه می‌کند (مקיף، makif).

8 והנה עומד על היאור. שממנו ג"כ נמשך בחי' המשכה לשבע פרות הטובות שהם ז' מדות אהבה ויראה

וכו' הטבעיים [הטבעיים]

«و بنگر که او کنار رود نیل (یاور، ye'or) ایستاده بود.» از آن نیز جریانی به سوی هفت گاو نیکو کشیده می‌شود؛ گاوهایی که هفت صفت‌اند: عشق و هیبت (אהבה وיראה، ahavah veyirah) و غیره، از نوع طبیعی،

שיהיה אחר התפלה מחמת זה בסור מרע ועשה טוב.

تا او پس از نماز، به سبب این امر، به «از بدی روی گرداندن و نیکی کردن» [مشغول] شود.

אך אחר זה הנה שבע פרות אחרות כו'. ותאכלנה כו' ולא נודע כו'. שבערך זמן רב אחר התפלה יוכל להתעורר מדות ותאוות גשמיות ומשכחות לגמרי את מדות הטובות אהוי"ר [אהבה ויראה] כו' שבשעת התפלה.

اما پس از آن، «اینک هفت گاو دیگر» و غیره، «و آن‌ها خوردند» و غیره، «و دانسته نشد» و غیره؛ زیرا هنگامی که مدتی از نماز بگذرد، ممکن است صفات و خواسته‌های جسمانی برانگیخته شوند و صفات نیکو، یعنی عشق و هیبتی را که هنگام نماز داشت، یکسره از یاد [او] ببرند.

משא"כ בבחי' הטעמים שהם בחי' שירה وزמרה הנ"ל. ע"ז אמרו (ע"ז [עבודה זרה] ג) כל העוסק בתורה

בלילה חוט של חסד נמשך עליו ביום שנאמר יומם יצוה ה' חסדו ובלילה שירה עמי

اما در مرتبه / جنبه (בחינה، bechinah) نغمه‌ها (טעמים، ta'amim) چنین نیست؛ این نغمه‌ها مرتبه آواز و نغمه‌سرایی یادشده در بالا هستند. درباره این امر گفتند (عבודה زרה 3): «هر کس شب به تورات اشتغال ورزد، روز رشته‌ای از مهر (חסد، Chesed) بر او کشیده می‌شود؛ چنان‌که گفته شده است: “در روز، ه' مهرش را فرمان می‌دهد و در شب، سرود او با من است.”»

**שחוט של חסד ואהבה עליונה באה עליו מלמעלה אהבה חדשה יותר מכדי טבעו של נפש אלקות
לדבקה בו ית' בחי' אהבה בתענוגים**

[یعنی] رشته‌ای از مهر و عشقی برتر، از بالا بر او فرود می‌آید؛ عشقی نو، فراتر از سرشتِ نفیس الهی (نפש האלקית, Nefesh Elokis)، تا به او، که متبارک باد، بچسبد؛ **בחינה** عشقی آمیخته با لذت؛

**ومشم נמשך יאור והמשכה לבחי' נקודה ברישי אתוון שהיאור הוא עומד על החולם וממשיך עליו
הארה רבה ועצומה שלא יהיו פרות הרעות כלל כי אין רע יורד מלמעלה כו':**

و از آنجا رود و جریانی به‌سوی مرتبه «نقطه‌ای در بالای حروف» کشیده می‌شود؛ زیرا رود بر فراز نقطه مصوت بالای حرف (חולם, cholem) ایستاده است و پرتویی بزرگ و نیرومند بر آن می‌تاباند، تا اصلاً هیچ گاو بدی نباشد؛ زیرا «هیچ بدی‌ای از بالا فرود نمی‌آید» و غیره.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: -likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از 2/mikeitz/torah-ohr/fa/likuteitorah.com/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک